

علی‌نامه عنوان منظومه‌ای است از شاعری ناشناخته در قرن پنجم هجری. از نام و نشان سراینده این منظومه اطلاع چندانی در دست نیست؛ جز آنکه در چند موضع گوینده نام و تخلص خود را ربیع^۱ و نام منظومه‌اش را علی‌نامه^۲ گفته است؛ با این حال احتمال می‌رود سراینده آن فردی به نام شیخ عبدالملک بن بنان قمی از شعرای شیعه اثناعشری قرن پنجم هجری باشد؛^۳ اما در عین حال پایه‌ای ویژگی‌های زبانی در این منظومه که با نواحی شرقی قلمرو زبان دری، یعنی نواحی بلخ و پیرامون آن هماهنگی بیشتری دارد، باعث می‌شود این گمان که علی‌نامه سروده شاعری از مشرق زبان دری باشد، قوت گیرد.^۴ آنگونه که در متن علی‌نامه تصریح شده است، گوینده آن متولد ۴۲۰ هجری است^۵ و آن را در سال ۴۸۲ هجری به احتمال قریب به یقین در خراسان و شاید هم در ناحیه بیهق به نظم کشیده است و به یکی از اشراف سادات آن نواحی به نام سید علی بن طاهر عریضی که از او با عنوان قوام شرف یاد می‌کند،^۶ تقدیم کرده است.^۷

موضوع علی‌نامه بیان مناقب و مغازی امام علی علیه السلام و ذکر عقاید شیعی است و در آن وقایع جنگ‌جمل و به گونه‌ای مفصل‌تر جنگ صفین با بیانی حماسی به نظم کشیده شده است. شاعر در آغاز هر بخش به شیوه فردوسی خرد و خردمند را می‌ستاید^۸ و در خلال موضوع اصلی، داستان‌هایی پراکنده نیز از کرامات و معجزات ایشان بیان می‌کند.^۹ این منظومه چنان که سراینده خود تصریح کرده است،^{۱۰} نخستین منظومه به زبان فارسی در نوع خود است؛ چنان‌که خاوران‌نامه ابن حسام خوسفی که بنا بر مشهور، نخستین حماسه شناخته شده شیعی محسوب می‌شود،^{۱۱} حدود چهار قرن بعد از علی‌نامه در روزگار تیموری تدوین شده است. به همین دلیل علی‌نامه از نظر تاریخ شعر و حماسه‌های شیعی اهمیتی فراوان دارد و همان گونه که شاهنامه دقیقی نخستین حماسه ملی است،^{۱۲} این کتاب نیز نخستین حماسه شیعی اثناعشری در زبان فارسی است.

منظومه علی‌نامه در حدود دوازده هزار بیت دارد و در بحر متقارب^{۱۳} سروده شده است و در آن نوادری از لغات و ترکیبات فارسی در اسلوبی

۱. علی‌نامه؛ ۱۱۲۱۱، ۲۲۷۷ و ۱۱۲۱۹. تمام ارجاعات ابیات به شماره آنها، براساس نسخه مصحح منظومه علینامه است.
۲. همان، ۸۸، ۹۳، ۹۵، ۹۷، ۲۹۷۹، ۲۹۹۱، ۶۷۵۹ و ۶۷۶۰.
۳. شفیع کدکنی؛ «علی‌نامه»؛ سی و دو.
۴. همان، هفتاد و پنج.
۵. علی‌نامه؛ ۳۷۶۷ و ۱۱۲۰۹.
۶. همان، ش ۹۱.
۷. شفیع کدکنی؛ همان، بیست و یک.
۸. برای نمونه، رک به: علی‌نامه؛ ش ۱۱۸-۱۲۰، ۲۲۹۹-۲۳۰۱، ۳۷۷۲-۳۷۷۵.
۹. برای نمونه رک به: همان، ش ۸۶۶۳-۸۷۲۵.
۱۰. همان، ش ۲.
۱۱. ذبیح‌الله صفا؛ تاریخ ادبیات در ایران؛ ج ۴، ص ۳۱۷ و همو؛ حماسه‌سرایی در ایران؛ ص ۳۷۷.
۱۲. همان، ص ۱۶۳.
۱۳. فعولن فاعولن فعل. بحر متقارب مثنی محذوف.

تازه‌های نگارش و نشر

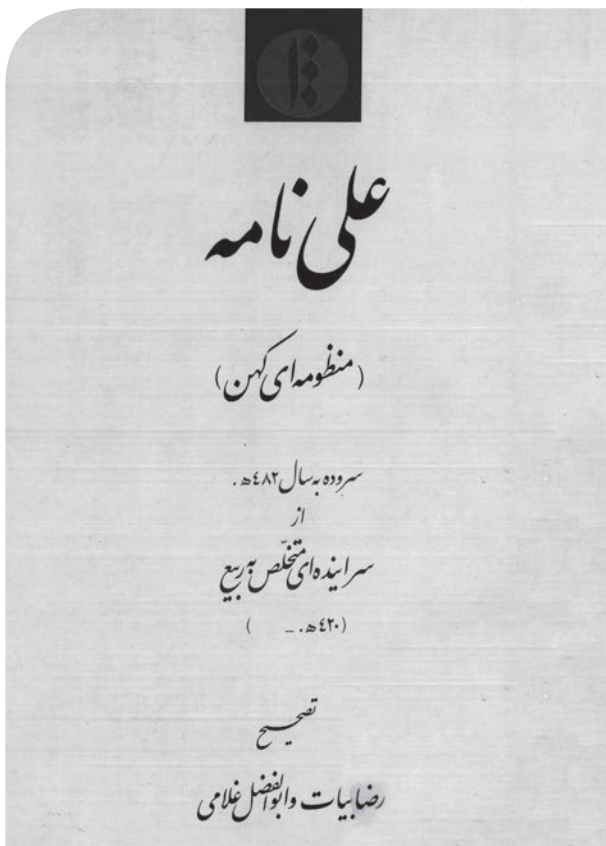
معرفی اجمالی

علی‌نامه

از سراینده‌ای متخلص به ربیع؛

به اهتمام رضا بیات و ابوالفضل غلامی؛ تهران: میراث مکتوب، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، مؤسسه مطالعات اسماعیلیه و کتابخانه تخصصی تاریخ ایران و اسلام، ۱۳۸۹

امیر مؤمنه هزاره



محمد رضا شفیعی کدکنی در سال ۱۳۷۹،^{۱۶} باردیگر مورد توجه قرار گرفت. نسخه برگردان (فاکسیمیله) این منظومه در قطع اصل نسخه خطی کتابخانه موزه قونیه (ترکیه) در سال ۱۳۸۸ به اهتمام محمود امیدسالار با مشارکت مرکز پژوهشی میراث مکتوب و کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (تهران) و کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران (قم) و مؤسسه مطالعات اسماعیلیه منتشر شد و در نهایت نسخه تصحیح شده آن در سال ۱۳۸۹ به اهتمام رضا بیات و ابوالفضل غلامی از سوی مرکز پژوهشی میراث مکتوب به چاپ رسید.

کهن به کاررفته است. لغات و ترکیباتی که گاه در فرهنگ‌ها شواهد آن را به سختی می‌توان یافت.^{۱۴} از مطاوی گفتار گوینده و اشاراتی که به شاهنامه فردوسی کرده است،^{۱۵} می‌توان دریافت شاهنامه را پیش چشم داشته است؛ اما آن را به این دلیل که «مغ‌نامه» و «دروغ» است،^{۱۶} چندان نمی‌پسندد. در متن این منظومه که در میان حماسه‌های منظوم فارسی از لحاظ تاریخی در کنار گرشاسپ‌نامه اسدی قرار می‌گیرد،^{۱۷} ابیات استوار کم نیست؛ اما در عین حال غلط‌های فاحش عروضی و فنی نیز در آن فراوان است.^{۱۸} اینکه چه مقدار از این خطاها مربوط به گوینده و چه مقدار مربوط به کاتبان و نسخه‌نویسان است، جز با پیداشدن نسخه‌های دیگر و مخصوصاً کهن‌تر، قابل تشخیص نیست.^{۱۹}

از منظومه علی‌نامه تنها یک نسخه خطی وجود دارد که با شماره ۲۵۶۲ در کتابخانه موزه قونیه (ترکیه) وجود دارد و میکروفیلم آن با شماره ۴۲۲ و عکس آن در سه مجلد به شماره‌های ۵۸۹، ۵۹۰ و ۵۹۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. آغاز این نسخه که در بیان جانشینی پیامبر است، افتادگی دارد. مجموع اوراق این نسخه ۳۰۱ ورق است و هر ورق شامل نوزده بیت و در مجموع حدود دوازده هزار بیت است. هر ده برگ یک بار در بالای صفحه واژه «عشر» به شکل وارونه نوشته شده است که احتمالاً کار صحاف است.^{۲۰} اول بار این واژه در برگ چهارم دیده می‌شود. به این ترتیب می‌توان حساب کرد که از آغاز نسخه، شش برگ افتاده است و چون پشت و روی هر برگ سی و هشت بیت کتابت شده است، در مجموع حدود ۲۲۸ بیت آن موجود نیست.^{۲۱} این نسخه در قرن هفتم یا هشتم به قلم فردی به نام محمد بن محمود مسعود المعدم التستری کتابت شده است و مالک آن فردی شیعی به نام حاجی یا حاجی علی بوده است و این نام به صورت «ح ج ی ع ل ی» در جاهای مختلف نسخه بین سطور با خطی بسیار نزدیک به اصل، دیده می‌شود.^{۲۲} کاتب ظاهراً سواد چندانی نداشته است؛ زیرا غلط‌های املائی بسیاری در کتابت او وجود دارد.^{۲۳} این نسخه را نخستین بار احمد آتش در مجموعه زبان و ادبیات ترک معرفی کرد.^{۲۴} سپس عبدالرسول خیامپور خلاصه‌ای از مقاله احمد آتش را ترجمه و چاپ کرد؛^{۲۵} اما با این حال به فراموشی سپرده شد تا آنکه پس از مقاله

منابع

۱. خیامپور، عبدالرسول؛ «نشریات ترکیه»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، ش ۳۳، بهمن ۱۳۳۴.
۲. شفیعی کدکنی، محمد رضا؛ «حماسه‌ای شیعی از قرن پنجم»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، پاییز و زمستان ۱۳۷۹.
۳. صفا، ذبیح‌الله؛ تاریخ ادبیات در ایران؛ ج ۴، تهران: فردوس، ۱۳۷۲.
۴. _____؛ حماسه سرایی در ایران؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۶.
۵. علی‌نامه؛ تصحیح رضا بیات و ابوالفضل غلامی؛ تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۹.
۶. علی‌نامه؛ نسخه برگردان نسخه خطی شماره ۲۵۶۲ کتابخانه موزه قونیه، سروده به سال ۴۸۲ و کتابت حدود سده هفتم، با مقدمه محمد رضا شفیعی کدکنی و محمود امیدسالار؛ مرکز پژوهشی میراث مکتوب و کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (تهران) و کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران (قم) و مؤسسه مطالعات اسماعیلیه، ۱۳۸۸.
7. Ahmed Ates "Konya kutuphanelerinde bulunan bazı muhim yazmalar" Belleten, Cilt XVI Sayı 61, S. 49-130, Ankara, Ocak, 1952.
۲۶. محمد رضا شفیعی کدکنی؛ «حماسه‌ای شیعی از قرن پنجم»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی؛ پاییز و زمستان ۱۳۷۹.

۱۴. برای دیدن نمونه‌های آن، رک به: شفیعی کدکنی؛ همان، چهل و سه تا هفتاد و پنج.
۱۵. برای نمونه، رک به: علی‌نامه، ش ۹۴، ۹۵، ۲۹۷۷، ۲۹۷۹، ۲۹۸۶، ۲۹۸۸، ۲۹۹۱ و ۶۷۵۸.
۱۶. همان، ش ۵ و ۲۹۷۹.
۱۷. شفیعی کدکنی؛ همان، ص ۱۶.
۱۸. برای نمونه، رک به: ش ۸۴۷۶.
۱۹. شفیعی کدکنی؛ همان، ص ۳۴.
۲۰. علی‌نامه؛ مقدمه رضا بیات؛ ص چهل و یک.
۲۱. همان.
۲۲. شفیعی کدکنی؛ همان، بیست و سه.
۲۳. همان، بیست و دو.
۲۴. Ahmed Ates: "Konya kutuphanelerinde bulunan bazı muhim yazmalar"، ۴۹-۱۳۰.
۲۵. عبدالرسول خیامپور؛ «نشریات ترکیه»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز؛ ش ۳۳، بهمن ۱۳۳۴.

از استاد محمود امیدسالار، متخصص متون ادبی عهد غزنوی و اختصاصاً شاهنامه. که یکی از دو مصحح همکار دکتر جلال خالقی مطلق در تصحیح شاهکار حکیم طوس نیز هست. این دومین اثری است که به شکل مجموعه مقالات توسط بنیاد موقوفات افشار در تهران چاپ می‌شود. اثر نخست جستارهای شاهنامه و... نام داشت که استقبال خوبی از آن شد و گویا اکنون در بازار نایاب باشد. مجموعه مقالات حاضر، شامل ۳۲ مقاله تحقیقی و انتقادی از ایشان است که قبلاً در مجلاتی چون ایرانشناسی، پاژ (سال ۱۳۸۸ به عنوان یادنامه دکتر خالقی مطلق)، فصلنامه گلستان (چاپ امریکا)، فرهنگ مردم، آینه میراث، و نیز کتاب‌های ارج‌نامه ذبیح‌الله صفا (میراث مکتوب)، ارج‌نامه محمدتقی بهار ملک الشعرا (میراث مکتوب)، ارج‌نامه دکتر پرویز نائل خانلری (میراث مکتوب)، جشن‌نامه ریچارد فرای، یادنامه مرحوم دکتر ریاحی موسوم به آفرین‌نامه (چاپ نشده)، یادنامه حمید محامدی، جشن‌نامه احمد اقتداری (چاپ نشده)، جشن‌نامه اسماعیل سعادت (فرهنگستان) و همچنین به عنوان مقدمه‌هایی که بر چاپ نسخه برگردان شاهنامه نسخه لندن (مورخ ۶۷۵ ق) و چاپ نسخه برگردان علی‌نامه (میراث مکتوب مجلس) و نیز در یک مورد مدخلی از دانشنامه جهان اسلام چاپ شده یا زیر چاپ است. مواردی هم هست که گویا جزو هیچ یک نیست و برای قرار گرفتن در همین مجموعه مقالات، نوشته شده است. همه این موارد خواندنی است و سرشار از نکات کشفی تازه. در پیشگفتار دو صفحه‌ای ایشان، نکته‌ای قابل تأمل برای مصححان کشور وجود دارد که شیوه تصحیح متن در داخل را سمت و سومی دهد. این نکته، بیشتر انتقادی است بر ایران‌شناسان غربی که صاحب این مجموعه مقالات، سخت با آنها دشمن است و قریب به اغلب موارد حق به جانب اوست. این نکته چنین است: «بنده بسیار دیده‌ام در انتقاداتی که از برخی تصحیحات وطنی می‌شود، منتقد به رسم الخط تصحیح و یکدست نبودن آن ایراد می‌گیرد. در تصحیح متن و مخصوصاً در چاپ متون منقح هیچ لزومی ندارد که یک رسم الخط واحد رعایت شود. هیچ کسی که آشنایی با رسم الخط دستنویس‌های فارسی داشته باشد، نمی‌گوید کاتبان قدیم یک رسم الخط واحد را رعایت می‌کرده‌اند. بیشتر متخصصین می‌دانند که گاهی کاتب واحد، در نسخه واحد. و حتی بعضاً در سطر واحد. یک کلمه را به چند رسم الخط می‌نویسد، و این تنوع به نظر بنده عیب خط فارسی نیست، بلکه حسن آن است. مثال دوم انتخاب نسخه اساس در تصحیح و پافشاری برخی از ادبای خودمان در پیروی از آن است. شکی نیست که ادبای قدیم ما به اعتبار نسخه اعتقاد داشتند و به نسخه معتبر اهمیت بسیار می‌دادند؛ اما هیچ‌گاه خود را به پیروی طابق النعل بالنعل از نص نسخه اساس موظف نمی‌دیدند، بلکه ذوق سلیم، احاطه علمی و ملاحظات جنبی متعدد دیگری را هم در نظر می‌گرفتند. این رسم غلامی نسخه اساس

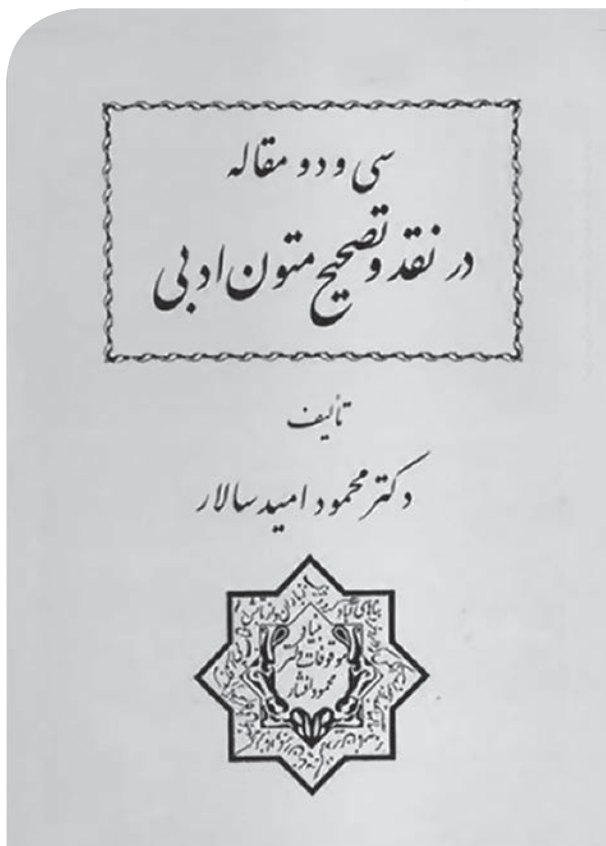
تازه‌های نگارش و نشر

معرفی اجمالی

سه و دو مقاله در نقد و تصحیح متون ادبی

دکتر محمود امیدسالار؛ چاپ اول، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۹، ۵۴۴ صفحه

احسان عجم



کردن، از غرب به ایران وارد شده و هیچ پایه و اساس فرهنگی، تاریخی و حتی علمی ندارد. البته در اینکه زمام تصحیح را نباید یکسره به دست سلیقه شخصی و ذوق سپرد، حرفی نیست؛ اما پربهادان به نص نسخه اساس هم راه به جایی نمی‌برد. هردوی این نوآوری‌ها، یعنی یکدست کردن رسم الخط در چاپ متون مصحح و تکیه بیش از حد بر نسخه اساس از ابداعاتی است که با سنت فرهنگ ادبی ما تناقض دارد و باید دوباره به دقت مورد بحث و بررسی قرار گیرد».

این مجموعه به چهار بخش کلی تقسیم شده است؛ شامل این موارد و هر یک دارای تعدادی مقاله:

بخش اول: شاهنامه

که شامل مقالات زیر است:

نسخه شاهنامه لندن، ابیات پادشاهی بهرام گور در شاهنامه، عباراتی از مقدمه شاهنامه ابومنصوری، مقدمه داستان اشکانیان در شاهنامه، داستان هرمز نوشیروان در شاهنامه مسکو، داستان‌های پادشاهی ساسانیان، داستان‌های اسکندر و اشکانیان در شاهنامه خالقی مطلق، دوبیت از شاهنامه تصحیح خالقی مطلق، اقبال آشتیانی و برنامه تصحیح شاهنامه، «بگشتی» یا «بگشنی» در شاهنامه، نظری بر بوطیقای شاهنامه، کتاب اختیارات شاهنامه، درباره زشیر شتر خوردن و سوسمار، علامه قزوینی، شاهنامه، درباره معجم شاهنامه از علوی طوسی، نام اسب افراسیاب، هلن و هُجیر، فردوسی و هُمَر، متن نهایی شاهنامه.

بخش دوم: متون

شامل این مقالات:

تاریخ بیهقی و سواد امیران غزنوی، علامه قزوینی و فن تصحیح ملاحظاتی پیرامون چهار مقاله، داراب‌نامه طرطوسی، سمک عیار، عجایب الدنیا و ابوالمؤید بلخی، علی‌نامه ربیعی، گرشاسپ‌نامه، مجمل التواریخ والقصص.

بخش سوم: فن تصحیح متن

تاریخچه‌ای از تصحیح متن در مغرب زمین، اهمیت اتمام صحیح در تصحیح انتقادی متن، خالقی مطلق و فن تصحیح متن در ایران.

بخش چهارم: مباحث ادبی

قدمت نسبی برخی از متون فارسی موجود در روایات زردشتی، حماسه، بهار و تصحیح متن.

خواندن این مجموعه ارزنده به خصوص برای شاهنامه‌پژوهان و مصححان، ضروری است. گفتنی است بنیاد موفقات افشار به زودی سه جلد پایانی مسائل پاریسیه (یادداشت‌های علامه قزوینی در پاریس) و البرزکوه از دکتر منوچهر ستوده را چاپ خواهد کرد.

این کتاب که دفتر دوم از سری تازه راه اندازی شده «اسناد معماری ایران» است (جلد نخست آن مربوط به «وقفنامه آستانه شاهزاده حسین قزوین، وقفنامه های امامزاده جعفر دامغان و...» بود)، اختصاص یافته به تصحیح متن دو وقفنامه کهن از آل اینجوی شیراز در سده هشتم که از آنها رونوشتی باقی است که شخصی در سال ۹۶۰ ق از آن سواد برداشته است. این شخص «ابوتراب محمد بن محمود حسنی حسینی طباطبایی اینجوی» نام داشته که این رونوشت را احتمالاً از متن اصلی وقفنامه مورخ ۷۲۷ ق (دارای تسجیلات مورخ ۷۷۲ ق) برداشته است. چنان که مصححان دانشمند این دو وقفنامه - که به زبان عربی نگاشته شده - نشان داده اند، نخستین کسی که از «وقف نامه املاک موقوفه سادات انجوی شیراز» نام برده، میرزا حسن فسایی در اثر گرانقدر و مشهور خود، فارسنامه ناصری است. سپس ارجاع داده اند به دو تحقیق ارزنده استشرافی به نام های: کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول از پطروشفسکی و مالک و زارع از خانم لمبتون. همچنین در مقدمه، گفته شده دکتر محمد حسین منظور الاجداد در قالب پایان نامه و مقاله ای تحقیقی به موضوع حاضر (وقفنامه خاندان اینجو و سادات طباطبایی فارس) پرداخته است.

نسخه خطی یگانه این سند ارزنده - که البته چون اصل نیست و رونوشت از اصل محسوب می شود، ارزش حقوقی ندارد - در کتابخانه شخصی مرحوم حسین رهنما نگهداری می شده که در سال ۱۳۷۵ ش به کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی (ره) منتقل شده است. این نسخه اکنون به شماره ۹۲۲۰ در آنجا محفوظ است.

صورت تصحیح شده متن عربی که به دلیل خط نسبتاً مغلوپ و کم نقطه نسخه یگانه آن با دشواری هایی به ویژه در بخش ضبط لغات خاص و اسامی اماکن و اشخاص همراه بوده، از صفحه ۱۳ - ۱۰۰ کتابت را دربر گرفته است، با حروفچینی و صفحه آرایی بسیار زیبا و منظم و نیز با بهره گیری از علایم وضع شده ابتکاری به منظور انتقال وضعیت فعلی رونوشت به متن حروفچینی شده.

در نمایه های پایانی که نیمی از کتاب را به خود اختصاص داده و از صفحه ۱۰۱ - ۱۷۹ را دربر گرفته، این موارد به چشم می خورد: آیات، احادیث، کسان، جای ها، نام جای های مبهم در حروف نخست، نمایه نوع جای ها، واژگان معماری، احداث سازه های معماری، ابنیه موقوف علیها، مشاغل و مناصب، عناوین و القاب، سال های متن، ایام و مواقع، جملات دعایی. در صفحات ۱۸۱ - ۱۸۷ نیز در کتابنامه و نمونه تصاویر نسخه خطی به چشم می خورد.

این متن ارزنده از دیدگاه های مختلف حائز اهمیت است و بر نقاط مبهمی از تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران پرتوروشنی می افکند. علاوه بر روشن شدن وضعیت سادات طباطبایی شیراز که در عهد مغول به

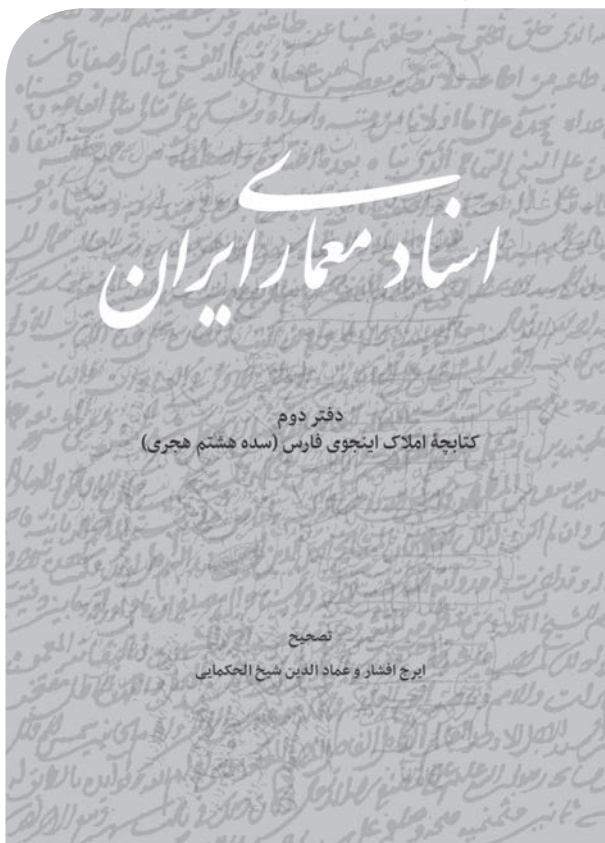
تازه های نگارش و نشر

معرفی اجمالی

اسناد معماری ایران

دفتر دوم، کتابچه املاک اینجوی فارس (سده هشتم هجری)، تصحیح ایرج افشار و عماد الدین شیخ الحکمایی؛ ج ۱، تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران و دانشنامه تاریخ معماری ایران شهر، تابستان ۱۳۸۹، قطع رحلی، ۱۸۸ صفحه

احسان عجم



دفتر دوم
کتابچه املاک اینجوی فارس (سده هشتم هجری)

تصحیح
ایرج افشار و عماد الدین شیخ الحکمایی

مؤلف کتاب از دانش‌آموختگان مدرسه معارفی خراسان است که امروزه از آن به «مکتب تفکیک» یاد می‌شود. وی این اثر را در تبیین زوایایی از اندیشه‌های تفکیکی که برگرفته از تعالیم و حیانی است، نگاشته است.

حاج شیخ علی محدث خراسانی، فرزند حاج شیخ حسن واعظ به سال ۱۲۷۶ شمسی در خانواده‌ای اهل علم و تقوا به دنیا آمد. ایشان دروس مقدماتی و سطح را نزد علمای بزرگ مشهد تلمذ کرد و پس از آن به نجف اشرف مشرف گشت و از عالمان بزرگ آن دیار نیز بهره جست.

بازگشت وی به مشهد با آغاز درس مرحوم آیت الله میرزا مهدی اصفهانی - سرآمد عالمان مکتب معارفی خراسان - مصادف گشت و ایشان از نخستین شرکت‌کنندگان درس مرحوم میرزا بود. مرحوم محدث تا آخرین روز زندگی این استاد فرزانه در طول ۲۵ سال، دروس خارج فقه و اصول و مباحث معارف (توحید، امامت، عدل، معاد و اعجاز قرآن) را به طور کامل از استاد فراگرفت و با تأثر از مبانی معارفی ایشان، به ترویج و تبلیغ اسلام ناب پرداخت. ایشان سرانجام پس از تلاش بسیار در راه تبیین معارف نورانی قرآن و اهل بیت علیهم السلام در سال ۱۳۳۰ شمسی دیده از جهان فرو بست.

مرحوم محدث همچون استاد خویش و سایر فقه‌های امامیه، تنها راه دستیابی به حقیقت و روشنایی را بهره‌گیری از علوم و معارف قرآن می‌دانست و از این رو این کتاب را «خورشید تابان در علم قرآن» نامید؛ چراکه خداوند نیز کلام خود را و «نور» و «هدایت»، «برهان» و «بصائر» معرفی می‌کند.

ایشان در این کتاب با بهره‌گیری از نورانیت و فرقانیت قرآن در صدد تبیین گسستگی‌های معارف بشری و وحیانی بوده است. بدین منظور نخست، مباحثی را در شناخت قرآن مطرح می‌کند و با بهره‌گیری از احادیث ائمه معصومین به تبیین حقیقت قرآن و چگونگی نور و هدایت بودن آن می‌پردازد.

ایشان با تمسک به آیات و روایات، قرآن را دوی تمام مرض‌های روحی و جسمی بشر معرفی می‌کند. در ادامه هدایتگری قرآن را از نظر عقلی تبیین و به وجه اعجاز بودن قرآن نیز اشاره می‌کند.

بخش بعدی کتاب به معرفی خداوند در قرآن اختصاص دارد. از منظر قرآن، خداوند ذاتی است که منزه از دیده شدن و توهم است و نظیر و شبیهی ندارد و از اوصاف کل مخلوقات منزه و پاک است. در این بخش به آیاتی درباره علم، قدرت، حکمت و اراده خداوند و نیز درباره غیریت علم و اراده اشاره شده است. به اعتقاد مؤلف، آیاتی که درباره علم و قدرت و حکمت است، همه بر طبق تصدیق فطرت و عقل است و خداوند در قرآن از طریق همین کمالات خود را به بشر معرفی

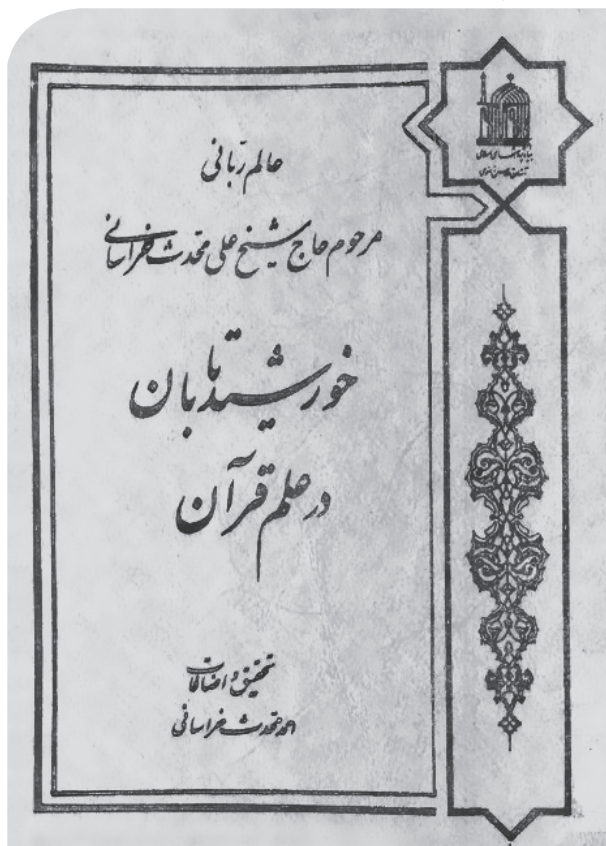
تازه‌های نگارش و نشر

معرفی اجمالی

خورشید تابان در علم قرآن

علی محدث خراسانی؛ تصحیح و تحقیق: مرتضی اعدادی خراسانی؛ چاپ اول، مشهد: ولایت، ۱۳۸۹، ۳۷۸ صفحه

محمد ربانی



بوده است - مانند ترجمه برخی از آیات و روایات - مطالب افزوده شده در داخل دو قلاب آمده است. همچنین تمام مستندات مؤلف مدرک‌یابی شده و درپانویشت صفحات آمده است؛ اما مهم‌ترین ویژگی این تحقیق، غنی‌سازی محتوای کتاب با مطالب برگرفته از سخنرانی‌های مؤلف است که توسط خود ایشان مکتوب گشته، اما چاپ نشده بود. چکیده برخی از این مکتوبات که برای روشن شدن بیشتر مباحث کتاب سودمند بوده است، به پاورقی کتاب اضافه شده است. در انتهای کتاب نیز نمایه آیات و روایات و کتابنامه ضمیمه شده است.

می‌فرماید؛ لذا عقل شهادت می‌دهد که طریق قرآن حق است و اگر انسان به غیر از طریق قرآن و بر اساس آرا و افکار بشر در حقیقت علم، قدرت و کمالات الهی تکلم کند، به واقع نخواهد رسید. خداوند نیز در قرآن توسط آیه شریفه «إِذَا أَرَادَ شَيْئًا» به بشر فهمانده که اراده عین علم نیست؛ اما عده‌ای از افراد بشر اراده را عین علم دانسته‌اند. ایشان پس از سخن‌گفتن درباره یکتایی خداوند از نظر قرآن، به بررسی و نقد دیدگاه فلاسفه و صوفیه درباره فعل خداوند می‌پردازد.

بخش سوم کتاب به نقد و بررسی آرا و نظریات فلاسفه و صوفیه در خداشناسی پرداخته است. این بخش شامل دو فصل است:

در فصل اول نظریات فلاسفه بررسی و نقد شده است. مؤلف معتقد است بعد از مطالعه فلسفه بر شخص عاقل ظاهر می‌شود که هر یک از فلاسفه به اندازه فکر و استعداد بشری خود تکلم کرده‌اند و واقع و حقیقت برای آنها مکشوف نبوده و هر کدام برخلاف دیگری مشی کرده‌اند؛ پس اطمینانی به این طریق بشری و براهین آنها نیست و به حکم عقل، سلوک این طریق خطا بردار جایز نیست.

در فصل دوم آرا و اندیشه‌های عرفا و متصوفه نقد شده است. در این فصل یادآور می‌شود که طریق صوفیه در کسب معرفت بر کشف و شهود است و اساس مطالب آنها بر مسئله وحدت وجود استوار شده است که از طریق کشف به آن رسیده‌اند؛ اما آنچه در معنی وحدت وجود گفته‌اند، با اساس قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام مخالف است. اساس قرآن بر مغایرت و مابینت مخلوق با خالق است.

مؤلف سرانجام با طرح مباحثی درباره خداشناسی فطری بحث را پی می‌گیرد و پس از ارائه مطالبی درباره عوالم پیشین به نقش پیامبران و امامان در تذکر به معرفت خدا می‌پردازد و در نهایت امامان معصوم شیعه را تنها واثان علوم قرآن معرفی و از این طریق بر حقانیت مذهب تشیع و بطلان سایر مذاهب استدلال می‌کند.

در این بخش تصریح شده است خود خداوند خودش را معرفی می‌کند تا او را بشناسند و اگر ذات مقدس حق خود را معرفی نمی‌کرد، احدی به او راهی پیدا نمی‌کرد. فطرت انسان بر توحید است و اساس این فطرت در عالم ذر درست شده است و تولد هر مولودی بر فطرت توحیدی است.

کتاب، پیش از این در زمان حیات مؤلف به سال ۱۳۶۶ ق منتشر شده است. همچنین پس از درگذشت ایشان، در سال ۱۳۷۲ ش با تغییراتی در متن توسط فرزند ایشان به چاپ رسیده است. تحقیق و تصحیح انجام گرفته در این چاپ بر اساس متن اصلی کتاب صورت گرفته و عبارات مرحوم محدث با رعایت کامل امانت، حروف چینی، مقابله و تصحیح شده است. در مواردی هم که افزودن مطالبی در متن لازم

«انجوی» تغییر نام دادند، وضعیت بسیاری از اماکن خاص در فارس را روشن می‌کند. نام و نشان بسیاری از دروازه‌ها (باب‌ها)، باغ‌ها و بستان‌ها، رباط‌ها - که اغلب به نام صوفیان اضافه شده و کاربرد خانقاهی داشته‌اند - طاهره‌ها (آسیاها)، راه‌ها، قبه‌ها، قنات‌ها، محله‌ها و نهرهای فارسی و مناطق همجوار و غیر آن، از خلال این متن به دست می‌آید که برخی در سایر منابع فارس شناسی وجود ندارد.

در پایان این معرفی نامه کوتاه، نام برخی از ابنیه موقوف علیها را که در نمایه پایانی استخراج شده، برای مزید فایده نقل می‌کنم و خوانندگان علاقه‌مند را به اصل متن ارجاع می‌دهم: بیت المقدس، رباط حذیفه یمانی، رباط سلطان بایزید بسطامی، رباط شیخ ابواسحاق کازرونی، رباط شیخ جنید بغدادی، رباط شیخ کبیر محمد بن خفیف (شیرازی)، رباط شیخ الشیوخ قاضی بیضاوی، رباط شیخ امین الدین [بلیانی]، رباط شیخ حسن بصری، رباط شیخ روزبهان بقلی (در درب خدش شیراز)، رباط شیخ سعدی (در قلعه فهندر)، رباط شیخ شرف الدین درگزینی، رباط شیخ ظهیرالدین بُزغش (در محله سراجان شیراز)، رباط شیخ عبدالله بلیانی، رباط شیخ علاءالدوله سمنانی، رباط شیخ عمر سهروردی، رباط معروف کرخی، روضه خلیل الرحمن در شام، مراقد ائمه در مدینه، مرقد خدیجه کبری در خارج مکه، مرقد سلمان فارسی در مدائن، مرقد عمادالدین طاهر فزاری در شیراز، مرقد فاطمة الزهراء در مسجد النبی، مسجد علی علیه السلام در بصره، مسجد جامع عتیق در شیراز، مسجد نوح علیه السلام در کوفه، مشهد احمد بن موسی الکاظم در شیراز، مشهد الحسین بن علی علیه السلام در کربلا، مشهد الغروی در رأس نجف کوفه، مشهد ام کلثوم بنت اسحاق الکوکی در محله رأس القنات شیراز، مشهد حسین بن موسی الکاظم در محله باغ قتلع شیراز، مشهد سید نورانی در کازرون، مشهد عباس بن علی علیه السلام در کربلا، مشهد علی بن موسی الرضا علیه السلام در بسندار کین خراسان، مشهد محمد بن الحنفیه در جزیره خارک، مشهد محمد بن موسی الکاظم در باب خافر شیراز، مشهد موسی الکاظم و محمد الجواد و مشهد هادی و عسکری در سزم رأی.

مصححان هر دو از خبرگان این فن و صاحب آثار متعدد در حوزه تصحیح متون و اسناد و قفنامه‌ای و نسخه‌های سبجات و گواهی‌نامه‌های دیرپاب هستند که به شکل‌ترین شکلی، متن حاضر را عرضه کرده‌اند. با این امید که صورت کم نقطه نام و نشان بسیاری از اماکن که در این متن در نمایه‌ای مجزا به دست داده شده است، توسط فارس شناسان و ایران شناسان دقیق‌النظر بعدها به دست آید.